

## گزینش نظام های انتخاباتی : تناسی، اکثریتی و نظام های ترکیبی\*

پیپا نوریس\*\*

ترجمه : حسین نبی لو\*\*\*

زمان، واقعیت این امر را که نظام های انتخاباتی یکی از با ثبات ترین نهادهای دموکراسی است، به اثبات رسانیده است. در گذشته اصلاحات و تغییرات جزئی قواعد و مقررات در ارتباط با اداره ای امر انتخابات بسیار رایج بوده است: تغییراتی که در برگزیده ای اصلاحات قوانین حاکم بر اطلاع رسانی در زمینه ی انتخابات، قوانین راجع به افشای اطلاعات مالی انتخابات و یا اصلاح جغرافیایی حوزه های انتخابیه بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورها هر از چندگاهی، فرمولهای انتخاباتی را از "دهونت"<sup>1</sup> به "ال-آر هیر"<sup>2</sup> و برعکس، تغییر داده، برای انتخابات عدد آستانه ای غیررسمی<sup>3</sup> تعیین کرده و اندازه ای مجلس نمایندگان را گسترش میداده اند.<sup>4</sup> تا همین اواخر، ندرتاً شاهد اصلاحات کلی و بنیادین نظام های انتخاباتی- در معنای اصلاحاتی که روش تبدیل آراء به کرسی ها را دگرگون سازد- بوده ایم. مهمترین استثنا بر رکود در امر اصلاحات در نظام های انتخاباتی، کشور فرانسه است، که نظام انتخاباتی آن ما بین نظام های

---

\* این نوشته، ترجمه ای است از اثری بدین مشخصات:

Norris, P., (1997) , Choosing Electoral Systems: Proportional, Majoritarian and Mixed Systems. For Contrasting Political Institutions special issue of the *International Political Science Review* Vol 18(3) July 1997: 297-312. Edited by : Jean Laponce and Bernard Saint-Jacques

\*\*مدرس علوم سیاسی تطبیقی در دانشکده ی مطالعات حکومتی جان اف. کندی، دانشگاه هاروارد  
\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ؛ دانشگاه شهید بهشتی

Email: h\_nabilou2000@yahoo.fr

<sup>1</sup>d'Hondt

<sup>2</sup>L-R Hare

<sup>3</sup>Effective Threshold

<sup>4</sup>Lijphart 1994

تناسبی<sup>1</sup> و اکثریتی<sup>2</sup> در نوسان بوده است. "لیپست" و "روکان"<sup>3</sup> در اثر کلاسیک خود در مورد تقسیمات و انواع نظام های انتخاباتی<sup>4</sup> (1967)، نظام حزبی اروپای غربی در دهه‌ی شصت را نظامی بسته، غیر منعطف و فاقد ظرفیت پذیرش اصلاحات، می دانستند؛ نظام هایی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با اعطای حق رأی به طبقه‌ی کارگر ایجاد شده بودند. همچنین تا همین اواخر، نظام های انتخاباتی در دموکراسی‌های لیبرال بسیار غیر منعطف شده و به نظر می رسید که فاقد ظرفیت لازم برای اصلاحات اند. احزاب درون دولت عموماً طرفدار و حافظ وضع موجود<sup>5</sup> بودند؛ چرا که حفظ وضع موجود تأمین کننده‌ی منافعشان بود. احزاب و گروه های حاکم، به طور سیستماتیک، توجهی به انتقادات مطرح شده از سوی احزاب و گروه های خارج از دولت نمی‌کردند؛ انتقاداتی که ندرتاً توانایی اصلاح و تغییر قواعد انتخاباتی را داشتند.

این ثبات، نشانگر این امر است که نظام های انتخاباتی، فی‌نفسه، نهادهایی محافظه کارند. با این حال نهادها ممکن است با ضربه‌ها و تکانه‌هایی که از محیط پیرامونی‌شان به آنها وارد می شود، دچار فروپاشی بنیادین شوند. در مدل تعادل متناوب<sup>6</sup> کراسنر، تداوم نهادهایی که واجد صفت رکود یا ایستایی طولانی مدت اند، توسط بحرانهای متناوبی که بعد از این رکود و سکون واجد پویش شده و می توانند تغییرات ناگهانی ایجاد کنند، به هم می‌خورد<sup>7</sup>. اصلاحات بنیادین در نظام های انتخاباتی نیز، نتایج غیر منتظره‌ای به بار می‌آورد، برای مثال، پذیرش گسترده‌ی انتخابات مقدماتی<sup>8</sup> در اواخر دهه‌ی شصت در ایالات متحده، پیامدهای ناخواسته‌ای به بار آورد، به نحوی که پذیرندگان این روش انتخاباتی حتی

---

<sup>1</sup>Proportional Systems

<sup>2</sup>Majoritarian System

<sup>3</sup>Lipset and Rokkan

<sup>4</sup>Electoral Cleavages

<sup>5</sup>Status quo

<sup>6</sup>Punctuated Equilibrium

<sup>7</sup>Krasner, 1993

<sup>8</sup>Primaries

در رسیدن به اهداف اولیه‌شان نیز، ناکام ماندند.<sup>1</sup> در دهه-  
ی اخیر [دهه‌ی نود] به چالش کشیده شدن مشروعیت حکومت، به  
آتش مقوله‌ی اصلاحات انتخاباتی نیز دامن زد. مقوله‌ی  
اصلاحات انتخاباتی در بریتانیا به موضوعی مناقشه برانگیز  
و جدی تبدیل شده است. در این کشور، تمامی احزاب، به جز  
احزاب محافظه‌کار نظام جایگزینی<sup>2</sup> را بر نظام نخست‌نفری<sup>3</sup> برای  
انتخابات سطوح مختلف حکومت، ترجیح می‌دهند.<sup>4</sup> در سال 1993،  
نیوزیلند، بعد از تجربه‌ی حدود یک قرن و نیمی از نظام نخست  
نفری، نظام انتخاباتی‌اش را به نظام ترکیبی<sup>5</sup> تبدیل کرد.<sup>6</sup>  
نیوزیلند برای مدت‌های مدیدی نظامی دو حزبی را تجربه می  
کرد. بر خلاف نظام پیشین انتخاباتی، اولین انتخاباتی که  
در نظام ترکیبی، در سال 1996 با حضور سی و چهار حزب صورت  
گرفت، به انتخاب شش حزب و ایجاد دولتی ائتلافی منجر شد.  
ایالات متحده نیز گرایش روزافزونی به اصلاحات انتخاباتی  
داشته است، که این تمایل از نگرانی فزاینده‌ی درمورد  
نماینده‌ی زنان و اقلیت‌های قومی<sup>7</sup> و موانعی که برای احزاب  
ثالث در این نظام وجود دارد، نشأت می‌گیرد، موانعی که  
کاندیداتوری "پرو"<sup>8</sup> در ریاست جمهوری، به آن شکلی نمادین  
بخشیده است.<sup>9</sup> با این حال، نارضایتی، محدود به نظام‌های  
اکثریتی نشده است. در سال 1992، اسرائیل برای انتخاب نخست-  
وزیر، انتخابات مستقیم برگزار کرد<sup>10</sup>، حال آن که یک سال  
بعد، ایتالیا که برای مدتهای مدیدی سرمشق و الگوی نظام

---

<sup>1</sup>Polsby, 1983

<sup>2</sup>Alternative Vote

<sup>3</sup>First-Past-The-Post

<sup>4</sup>Norris,1995; Blackburn 1995

<sup>5</sup>Mixed-Member System

<sup>6</sup>Vowles, 1995

<sup>7</sup>Rule and Zimmerman,1992

<sup>8</sup>Perot

<sup>9</sup>Rosestone, Behr and Lazarus, 1996

<sup>10</sup>Diskin and Diskin,1995; Hazan, 1996

هاي تناسبي بود، بعد از مباحثاتي طولاني مدت، نظام تركيبي را برگزيد.<sup>1</sup>

در همان حال، موجي از ظهور قوانين اساسي بعد از بر آمدن دموكراسي هاي نو پا در اروپاي مركزي و شرقي، آمريكاي لاتين، آسيا و آفريقا، بوجود آمد.<sup>2</sup> در چنين دولتهايي مسأله-ي گزينش يك نظام انتخاباتي، مسائل و مباحثات بسيار جدی را مطرح ساخت، كه مي‌بايست قبل از ساير مسائل مربوط به قانون اساسي حل شوند. دموكراسي هاي نو پا تر، مانند اكوادور، مجارستان، روسيه و تايوان نظام هاي انتخاباتي تركيبي را با اعتقاد به اينكه اين نظام ها، جامع بهترين عناصر هر دو نظام اكثريتي و تناسبي هستند، مورد پذيرش قرار دادند. بنا بر اين، طي دهه‌ي نود، بحث هاي راجع به نظام انتخاباتي از حاشيه‌ي مباحثات سياسي، وارد متن اين مباحثات شد. اين امر به اين هشرياري فزاينده دربارهي نظام هاي انتخاباتي، كه قواعد انتخاباتي قواعدي خنثي و بي طرف نيستند، دامن زد: شيوه‌ي تبديل آراء به كرسي ها به اين معناست كه بعضي احزاب، گروه‌ها و نمايندگان وارد فرايند سياست گذاري شده و عده‌اي نيز از اين فرايند كنار گذاشته مي‌شوند. بحث اصلي راجع به اين موضوع است، كه آيا بايستي كشورها نظام هاي اكثريتي را كه تأمين كننده‌ي كارايي و پاسخ گوئي بيشتري است، مورد پذيرش قرار دهند يا نظام هاي تناسبي را كه ميزان منصفانه بودن نظام هاي انتخاباتي، نسبت به احزاب اقليت را بيشينه ساخته و ميزان تنوع در نمايندگي از سوي گروه هاي مختلف جامعه را بالاتر مي‌برد. كساني كه از وضع موجود ناراضي بودند، به "مهندسي حقوق اساسي"<sup>1,2</sup> يا به "طرح نهادينه"<sup>3,4</sup> براي نائل آمدن به اين اهداف روي آوردند.

---

<sup>1</sup>Donovan, 1995

<sup>2</sup>See Leduc, Niemi and Norris, 1996; Huntington, 1993; Lijphart and Waisman, 1996  
1 Constitutional Engineering

2 Sartori, 1994

3 Institutional Design

برای بررسی گزینه‌های موجود، این مقاله به طور خلاصه، دگرگونی‌ها و اصلاحات بنیادین را در انواع مختلف نظام‌های انتخاباتی بررسی کرده و در ادامه معیارهای تجویزی که شکل دهنده‌ی مبانی مربوط به اصلاح نظام‌های انتخاباتی هستند را مد نظر قرار داده و سپس به تجزیه و تحلیل پیامدهای گزینش نظام‌های مختلف انتخاباتی می‌پردازد. نتیجه‌گیری این مقاله نیز در ارتباط با بررسی ملاحظات مرتبط با گزینش یک نظام انتخاباتی است. این مقاله نتایج انتخابات برگزار شده از ابتدا تا اواسط دهه‌ی نود، در تمام دموکراسی‌های بزرگ (1)، که شامل پنجاه و سه کشور است را مورد مقایسه قرار می‌دهد<sup>5</sup>. این امر در برگینده‌ی دموکراسی‌های جا افتاده و دموکراسی‌های نو ظهور، در سطوح مختلف توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی است، تا اثرات نظام‌های انتخاباتی را تحت شرایط گوناگونی مورد بررسی قرار دهد. اگر چه نظام‌های انتخاباتی در تمامی سطوح رسمی، مانند انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات پارلمان، انتخابات ملی و محلی قابل مقایسه‌اند، ولی برای اینکه مقایسه‌ی ما در برگیرنده‌ی امور متشابه باشد، بیشتر روی انتخابات پارلمانی ملی برای مجالس قانون گذاری، تمرکز خواهیم کرد. هر چند "نظام انتخاباتی" عناصر بسیار گوناگونی مانند نظارت بر کاندیداتوری در انتخابات، لوازم، وسایل و امکانات مورد نیاز برای ثبت نام و رأی دادن و تهیه‌ی منابع مالی مبارزات حزبی، را در بر می‌گیرد، اما قلب نظام انتخاباتی، روند تبدیل آراء به کرسی‌ها است، بنابراین در این مقاله تلاش ما مصروف به بررسی این روند خواهد شد.

### طبقه بندی نظام های انتخاباتی

---

4 Lijphart and Waisman, 1996

<sup>5</sup>. برای بحث راجع به معیارهایی که در گزینش این کشورها مورد لحاظ بوده اند، بنگ.

Leduc, Niemi and Norris, 1995

بعد از انتشار آثار گرانقدر "موریس دوورژه"<sup>1</sup> (1954) و "دوگلاس رای"<sup>2</sup> (1971)، آثار کثیری در زمینه‌ی نظام‌های انتخاباتی پدید آمد، که انواع اصلی نظام‌های انتخاباتی را طبقه‌بندی کرده و در پی تجزیه و تحلیل پیامدهای گزینش این نظام‌ها بر آمد.<sup>3</sup> نظام‌های انتخاباتی بر طبق یک سری معیارهای کلیدی<sup>4</sup> که شامل بزرگی حوزه<sup>5</sup>، شکل ورقه‌ی رأی، اعداد آستانه‌ی غیر رسمی، ممنوعیت تقسیم غیر عادلانه‌ی حوزه‌های انتخاباتی<sup>6</sup>، اندازه‌ی مجلس قانون‌گذاری و لیست‌های باز/ بسته می‌باشد، تغییر می‌کنند، اما مهمترین تغییرات، تغییرات راجع به فرمول انتخاباتی<sup>7</sup> هستند.

فرمول انتخاباتی تعیین‌کننده‌ی چگونگی اختصاص آراء به کرسی‌ها می‌باشد. چهار نوع اصلی فرمول‌های انتخاباتی عبارتند از:

فرمول‌های اکثریتی<sup>8</sup> (که در برگیرنده‌ی نظام اکثریتی نسبی<sup>9</sup>، اکثریتی دو دوری<sup>10</sup> و نظام‌های جایگزینی‌اند).

نظام‌های نیمه تناسبی (از قبیل نظام انتقالی/ تک رأی قابل انتقال<sup>11</sup>، رأی تجمیعی یا انباشته<sup>12</sup> و رأی محدود<sup>13</sup>).

---

<sup>1</sup> Maurice Duverger

<sup>2</sup> Douglas Rae

<sup>3</sup> See Ligphart 1994; Ligphart and Grofman 1984; Blais and Massicotte 1996; Bogdanor and Butler 1983; Taagepera and Shugart 1989; Inter Parliamentary Union 1993; Farrell forthcoming; Cox forthcoming).

<sup>4</sup> For a discussion see Ligphart, 1994

<sup>5</sup> District Magnitude

<sup>6</sup> Malapportionment

<sup>7</sup> Electoral Formula

<sup>8</sup> Majoritarian Formulas

<sup>9</sup> Plurality

<sup>10</sup> Second Ballot

<sup>11</sup> Single Transferable Vote

<sup>12</sup> Cumulative Vote

<sup>13</sup> Limited Vote

نظام های تناسی (در بر گیرنده ی لیست های حزبی باز و بسته، که از فرمول بیشترین باقیمانده<sup>1</sup> و بیشترین میانگین<sup>2</sup> استفاده می کنند).

نظام های ترکیبی (مانند نظام اعضاء افزوده<sup>3</sup> که متشکل از عناصر اکثریتی و تناسی است).

### نظام های انتخاباتی اکثریتی

بررسی گسترده ای که اخیراً صورت گرفته است، نشان دهنده ی این واقعیت بود که هشتاد و سه کشور از یکصد و پنجاه کشور جهان، از نظام های اکثریتی استفاده می کنند.<sup>4</sup> این نظام، قدیمی ترین نظام انتخاباتی است که تاریخچه ی آن حداقل به قرن دوازده [میلادی] بر می گردد. در عین حال، این نظام ساده ترین نظام انتخاباتی نیز هست. این نظام نیز به نوبه ی خود، به دو دسته ی دیگر تقسیم می گردد. نظام هایی که در آنها موفقیت کاندیداها مستلزم کسب اکثریت نسبی آراست (نظام های اکثریتی نسبی) و نظام هایی که موفقیت کاندیداها مستلزم کسب اکثریت مطلق ( نصف + یک رأی از کل آرای اخذ شده ) می باشد.

### انتخابات اکثریتی نسبی

نظام اکثریتی نسبی، که به نظام نخست نفری نیز معروف است، در انتخابات مجلس نمایندگان در چهل و سه کشور جهان از جمله بریتانیا، کانادا، هند، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای مشترک المنافع مورد استفاده قرار می گیرد. هدف نظام

---

<sup>1</sup>Largest Remainder

<sup>2</sup>Highest Average

<sup>3</sup>Additional Member System

<sup>4</sup>Inter-parliamentary Union 1993

هاي انتخاباتي اكثريت نسبي، بوجود آوردن يك اكثريت تصنعی<sup>1</sup> است. يعني اين نظام، سهم کرسی هاي حزب برنده را جهت ايجاد يك اكثريت پارلماني مؤثر و کارا براي دولت افزايش داده، حال آن که با محروم کردن احزاب کوچک از کرسی های پارلمان، علي‌الخصوص احزابي که طرفدارانشان از لحاظ جغرافيايي پراکنده اند، در حق آن ها اجحاف می کند. در سیستم "برنده همهي کرسی ها را می برد"<sup>2</sup>، حزب برنده، با اختصاص تعدادبیش تری از کرسی های پارلمان به خود، به تقویت پایه های تقنینی خود می پردازد، حال آن که احزابي که در رده هاي بعدي قرار دارند، بهره ي اندکي از کرسی ها نصیبشان می گردد. نکته ي قابل توجه در این گونه نظام ها، حکم راني مؤثر و کاراست، نه این که دولت ها یا پارلمان هاي منتخب بتوانند منعکس کننده ي تمامی خواست ها و دیدگاه هاي اقلیت ها در پارلمان باشند. نظام اکثريتي نسبي، در انتخابات عمومي پارلماني به شکل گسترده اي مورد استفاده قرار می گیرد: کشورها به حوزه هاي تک نماینده اي تقسیم می شوند: رأی دهنده در هر حوزه ي نماینده اي، رأی خود را که یک برگ رأی ساده است ( که در آن رأی دهنده کاندیداي مورد نظر خود را با علامت × مشخص می کند) به صندوق رأی می اندازد، در حالي که فقط می تواند یک کاندیدا انتخاب کند. کاندیدائي که بیشترین سهم از آراء را براي هر کرسی به خود اختصاص داده است به مجلس راه پیدا می کند، و حزبي که اكثريت مطلق<sup>3</sup> کرسی ها را بدست آورده، مبادرت به تشکیل دولت می کند.

يکي از خصايص اين نظام، آن است که اندازه ي حوزه هاي تک نماینده اي، متأثر از تعداد رأی دهندگان آن حوزه است. در انتخابات کنگره، ایالات متحده به چهار صد و سي و پنج حوزه تقسیم می شود، که تمامی مناطق از لحاظ جمعيتي تقريباً برابرند، همه ی این حوزه ها نیز تک نماینده اي هستند.

---

<sup>1</sup>Manufactured Majority

<sup>2</sup>Winner-takes-all

<sup>3</sup>Overall Majority



مرزهاي اين حوزه‌ها بر اساس سر شماری، به منظور یکسان سازی جمعیت رأی دهندگان حوزه‌ها، در فواصل زمانی دوره‌ای بازنگري می‌شوند. با این حال تعداد رأی دهندگان در حوزه های انتخاباتی از کشوری به کشور دیگر به صورت قابل توجهی متغیر است: برای مثال مجلس هندوستان برای جمعیتی بالغ بر هشت صد و نود و هشت میلیون نفر، پانصد و چهل و پنج نفر نماینده دارد، بنابراین هر عضو لک سبھا<sup>1</sup> بایستی نمایندگی یک میلیون و شش صد هزار نفر را به عهده بگیرد، در حالی که بر خلاف هندوستان، کشور ایرلند در Dail Eireann، برای جمعیتی بالغ بر سه و نیم میلیون نفر، یکصد و شصت و شش نماینده دارد، یعنی به ازاء هر بیست و یک هزار نفر، یک کرسی. همچنین اندازه‌ی جغرافیائی حوزه‌های نمایندگی اساساً از کشوری به کشور دیگر متفاوت است: این اندازه‌ها از کرسی های اختصاص یافته به مناطق داخل شهری متراکم و کوچک گرفته تا مناطق وسیع و دور افتاده‌ی روستایی، متغیر هستند.

در نظام نخست نغری، کاندیداها معمولاً نیازی به پشت سر گذاشتن عدد آستانه حداقلی<sup>2</sup> آراء (2) ندارند، به علاوه، برنده شدن نامزدها مستلزم کسب اکثریت مطلق آراء نیز نمی‌باشد. در عوض تنها ملاک، ملاک اکثریت نسبی آراء است، به این معنا که پیروزی یکی از کاندیداها، مستلزم کسب یک رأی بیش از نزدیک ترین رقیب است. بنابراین در حوزه‌هایی که رقابت بین سه کاندیدای رقیب است و هر یک از کاندیداها تقریباً به تساوی موفق به کسب آراء شده باشند، کاندیدای برنده ممکن است 35 در صد آراء را به خود اختصاص دهد در حالی که سایر رقبا هر یک به ترتیب حائز 34 در صد و 32 در صد آراء گردند، اگر چه در این صورت دو سوم رأی

---

<sup>1</sup>Lok Sabha

<sup>2</sup>Minimum Threshold

دهندگان، حامیان دیگر کاندیداها بوده‌اند، با این حال اکثریت نسبی آراء، تعیین کننده‌ی نتیجه‌ی انتخابات است.

در این نظام، سهم حزب از کرسی‌های پارلمانی ملاک تشکیل دولت است، نه سهم حزب از کل آراء. حتی بدون اکثریت آراء نیز می‌توان دولت را تشکیل داد، به شرطی که آن دولت صاحب اکثریت پارلمانی باشد. برای مثال در سال 1951 علی‌رغم این که آرای کسب شده توسط حزب کارگر، ( 48/8 در صد) کمی بیش از حزب محافظه کار بریتانیا ( 48/0 درصد) بود، ولی حزب محافظه کار با اکثریت شانزده کرسی بیشتر از حزب کارگر در پارلمان، مبادرت به تشکیل دولت کرد.

در فوریه‌ی 1974، عکس این امر اتفاق افتاد، یعنی این بار آرای کسب شده توسط حزب محافظه کار، اندکی بیشتر از آراء حزب کارگر بود، حال آن که حزب کارگر دولت را تشکیل داد. وانگهی در نظام نخست‌نفری، دولت‌ها معمولاً با نصابی کمتر از اکثریت آراء به قدرت می‌رسند. از سال 1953، هیچ حزب حاکمی در بریتانیا نتوانسته است حائز نصف کل آراء گردد. برای مثال در سال 1983، خانم تاچر با رأی اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان پارلمان، به سمت نخست‌وزیری انتخاب شد؛ اکثریتی که اکثریت قاطع پارلمانی، متشکل از یکمصد و چهل و چهار نماینده بود، حال آن که حمایت کمتر از یک سوم آرای تمامی رأی‌دهندگان را داشت ( 30/8 درصد).

تمرکز جغرافیا یی هواداران احزاب در این نظام و تاثیر آن در نتیجه‌ی انتخابات نسبت به احزاب کوچک و اقلیت‌های اجتماعی، محل نقد بسیاری دارد. احزابی مانند "حزب ناسیونالیست"<sup>1</sup>، با تمرکز قوی جغرافیا یی در مناطق کلیدی، نتایجی بسیار بهتر از احزابی مثل حزب "سبزها"<sup>2</sup> با هواداران اندک که در طیف وسیعی از حوزه‌های انتخابیه پراکنده

---

<sup>1</sup>Nationalist Parties

<sup>2</sup>Greens

اند، می گیرند. بنا براین، برای مثال در انتخابات 1993 کانادا، "حزب محافظه کار ترقی خواه"<sup>1</sup> 16/1 درصد از آراء را از آن خود کرد، اما آن ها با شکستی سخت مواجه شد، به این صورت که این میزان از آراء تنها توانست دو کرسی پارلمانی را برای آن حزب به ارمغان آورد، در مقابل "جبهه ی کبک"<sup>2</sup> با اختصاص 18/1 درصد از آراء به خود، توانست پنجاه و چهار کرسی را از آن خود کند، "حزب دموکراتیک نوپا"، حتی آرای بسیار کمتری بدست آورده بود ( 6/6 درصد ) اما توانست نه کرسی پارلمانی را از آن خود کند، که بسیار بیشتر از کرسی های اختصاص یافته به محافظه کاران بود. بنابراین، اگر گروه های اجتماعی بتوانند هواداران خود را از لحاظ جغرافیایی در مناطق شهری متمرکز کنند، مانند، احزاب "افریکن-امریکن"<sup>3</sup> یا "لاتینو وترز"<sup>4</sup>، می توانند در به دست آوردن کرسی های کنگره ی ایالات متحده نیز بسیار موفق تر از گروه هایی باشند که هواداران شان به شکل گسترده ایی در حوزه های نماینده ای مختلف پراکنده اند.<sup>5</sup>

### نظام های اکثریتی دو دوری - برترین برنده<sup>6</sup>

نظام های دیگری نیز از ساز و کارهای مشابهی جهت فراهم ساختن این فرصت که نامزد منتخب بتواند حائز اکثریت مطلق آراء گردد، استفاده می کنند. در فرانسه، نظام اکثریتی دو دوری- برترین برنده، در انتخابات ریاست جمهوری مورد استفاده قرار می گیرد. کاندیدایی که در دور اول، اکثریت مطلق آراء (پنجاه درصد + یک رأی از کل آرای اخذ شده) را کسب نماید، برنده ی انتخابات است. در صورتی که هیچ یک از

---

<sup>1</sup>Progressive Conservatives

<sup>2</sup>Bloc Québécois

<sup>3</sup>African-American

<sup>4</sup>Latino Voters

<sup>5</sup>Rule and Zimmerman, 1992

<sup>6</sup>Second Ballot Majority-Runoff Systems

نامزدها حائز اکثریت مطلق آراء نشوند، در دور دوم، انتخابات ما بین دو کاندیدائی که بیشترین رأی را کسب کرده اند، برگزار می‌گردد. این نظام در پانزده کشور از بیست و پنج کشوری که انتخابات ریاست جمهوری در آنها به صورت مستقیم انجام می‌گیرد، مورد استفاده است. کشورهای اتریش، کلمبیا، فنلاند و روسیه از جمله این کشورها هستند. برای مثال در سال 1996، در انتخابات ریاست جمهوری روسیه، هفتاد و هشت نفر برای رقابت انتخاباتی ثبت نام کردند که از میانشان هفده نفر توانستند کاندیدای ریاست جمهوری شوند. "بوریس یلتسین"<sup>1</sup> در دور اول حائز 35/3 درصد آراء شد و "گنادی زیوگانف"<sup>2</sup> کاندیدای کمونیست، در رقابتی بسیار نزدیک با او 32 درصد و "الکساندر لبد"<sup>3</sup> با 14/5 درصد آراء، نفر سوم شد. بعد از کنار رفتن سایر کاندیدها از دور انتخابات، "لبد" طرفدارانش را به جانب داری از "یلتسین" فرا خواند، نتیجه‌ی نهایی انتخابات در دور دوم، یک نتیجه‌ی قاطع بود که 53/8 درصد از آراء از آن "یلتسین" و 40/3 درصد نصیب "زیوگانف" شد.<sup>4</sup> نظام اکثریتی دو دوری، در انتخابات مجلس قانونگذاری در مالی و اوکراین نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای انتخابات مجلس ملی فرانسه، نظام اکثریت نسبی دو دوری برگزار می‌گردد. [به این صورت که شرط نامزدی در دور دوم، احراز درصدی از آراء، در دور اول است.] هدف دور دوم انتخابات، ادغام هواداران برای انتخاب یک برنده و تشویق به ایجاد ائتلاف گسترده‌ی بین حزبی، در آخرین مراحل مبارزه است.

## نظام جایگزینی

---

<sup>1</sup>Boris Yeltsin

<sup>2</sup>Gennadii Zyuganov

<sup>3</sup>Alexander Lebed

<sup>4</sup>White, Rose and McAllister 1996

نظام اکثریتی دیگری که برای انتخابات مجلس نمایندگان در استرالیا و انتخابات ریاست جمهوری در ایرلند مورد استفاده قرار می‌گیرد، نظام جایگزینی است. استرالیا به یکصد و چهل و هشت حوزه‌ی تک نماینده‌ای تقسیم شده است. در انتخابات، به جای یک  $\times$  ساده، رأی دهندگان بر حسب اولویت‌های خود، در کنار نام نماینده، شماره‌گذاری کرده (1 و 2 و 3...) و بدین ترتیب آنها را اولویت‌بندی می‌کنند. کاندیدها برای تصاحب کرسی‌ها، بایستی اکثریت مطلق آراء را به دست آورند. در صورتی که بعد از شمارش اولیه، هیچ‌یک از کاندیدها موفق به کسب بیش از پنجاه درصد آراء نشوند، کاندیدی حائز کمترین میزان رأی، حذف شده و آرای متعلق به وی، ما بین سایر کاندیدها توزیع می‌شود. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که یک اکثریت مطلق حاصل شود. به طور مثال در سال 1996 در انتخابات استرالیا، رقابت بسیار تعیین‌کننده روی اولین اولویت‌ها، بین "حزب کارگر استرالیا"<sup>1</sup> و "حزب لیبرال"<sup>2</sup> که 38/7 درصد از آراء را کسب کرده بود، وجود داشت. به هر حال در شمارش نهایی اولویت‌ها، "حزب کارگر استرالیا" 46/4 درصد از آراء را از آن خود کرد، درحالی که کاندیدهای معرفی شده توسط سایر احزاب، موفق به کسب 53/6 درصد از آراء شدند. بایستی تکرار کرد که این روند، برنده‌ای که فاصله‌ی چندانی از سایر رقبا ندارد را، تبدیل به برنده‌ی حائز اکثریت قاطع در تصاحب کرسی‌ها می‌کند. این روش، به طریقی سیستماتیک، در حق احزاب یا افرادی که حائز کمترین میزان آراء شده‌اند، از طریق محروم ساختن آنان از کرسی‌ها، اجحاف روا می‌دارد. تا زمینه‌های ایجاد یک حکومت کارا را برای حزب برنده، ایجاد کند.

---

<sup>1</sup>Australian Labour Party

<sup>2</sup>Liberal Party

## نظام های نیمه تناسی

نظام های نیمه تناسی شق دیگری از نظام های انتخاباتی هستند که در برگزیده رأی جمعی/ انباشته است که در آن شهروندان به تعداد نمایندگان حق رأی دارند و در عین حال می‌توانند تمام آراء خود را به یک کاندیدا بدهند (که در کرسی های با اعضای رقیب<sup>1</sup> در قرن نوزدهم در بریتانیا و در ایالت ایلینویز تا سال 1980 به مورد اجرا گذاشته می‌شد). حق رأی محدود، نیز مشابه این سیستم است، اما رأی دهندگان حق رأی کمتری نسبت به اعضای که بایستی انتخاب شوند، دارند ( این نظام در انتخابات مجلس سنای اسپانیا، مورد استفاده قرار می‌گرفت ). در ژاپن تا سال 1994 از نظام تک رای غیر قابل انتقال<sup>2</sup>، استفاده می‌شد که در آن، انتخاب کنندگان در یک حوزه چند نماینده‌ای<sup>3</sup>، تنها می‌توانستند یک رأی دهند.

## نظام انتقالی / تک رای قابل انتقال

نظامی که در این طبقه همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد، "نظام انتقالی" است که در حال حاضر در انتخابات مجالس قانونگذاری در ایرلند، مالت و برای سنای استرالیا انجام می‌پذیرد. در این نظام، هر کشور به حوزه‌های چند نماینده‌ای تقسیم می‌شود که هر یک از این حوزه ها چهار یا پنج نماینده دارد. احزاب هر یک از اعضای خود را که به گمانشان شانس بیشتری برای پیروزی دارد، به عنوان کاندیدا معرفی می‌کنند. رأی دهندگان به صورت ترجیحی رأی می‌دهند ( یعنی در برگه رأی، رأی دهندگان مبادرت به شماره گذاری روی نامزدها می‌کنند (..و4و3و2و1) )، کل آراء شمرده می‌شود، سپس برای به دست آوردن حد نصاب<sup>4</sup>، کل آراء به تعداد کرسی

---

<sup>1</sup>Duel-Member Seats

<sup>2</sup>Single Non-Transferable Vote

<sup>3</sup>Multi Member District

<sup>4</sup>Quota

های هر حوزه، تقسیم می شود. برای برنده شدن در انتخابات، کاندیداها بایستی حداقل حد نصاب<sup>1</sup> را به دست آورند. وقتی که اولویت های اولیه شمرده شد، اگر هیچ کدام از کاندیداها به آن حد نصاب دست نیافتند، شخصی که حائز کمترین میزان رأی است، حذف می شود و آراء رأی دهندگان بر اساس اولویت های دوم شمرده شده و بازتوزیع می گردد. این روند ادامه می یابد تا این که تمامی کرسی ها پر شود.

## نظام های تناسبی

### نظام لیستی<sup>2</sup>

درحالی که طرفداران نظام اکثریتی بر حکمرانی مطلوب و کارا<sup>3</sup>، تأکید دارند، هواداران نظام های تناسبی بر این نکته پا فشاری می کنند که نظام انتخاباتی بایستی نظرات و خواسته های اقلیت ها را نیز منعکس کند. نظام های انتخاباتی تناسبی که بر پایه لیست های حزبی در حوزه های چند نماینده ای طراحی شده اند، در اروپا گستره ی وسیعی یافته اند و در سراسر جهان نیز، پنجاه و هفت کشور از یکصد و پنجاه کشور، از نظام های تناسبی استفاده می کنند.<sup>4</sup> اصل نمایندگی به تناسب<sup>5</sup> بدین معنا است که کرسی های یک حوزه نماینده ای بر اساس تعداد آراء انداخته شده برای لیست های حزبی، تقسیم شود. اما در نحوه ی تخصیص کرسی ها به لیست های حزبی، در نظام های گوناگون، اشکال مختلفی وجود دارد. لیست های حزبی ممکن است باز یا بسته باشند، در کشور هایی که در انتخاباتشان لیست حزبی باز ارائه می شود، مانند نروژ، فنلاند، هلند و ایتالیا، رأی

---

<sup>1</sup>Minimum Quota

<sup>2</sup>Party Lists Systems

<sup>3</sup>Governability

<sup>4</sup>Inter-Parliamentary Union 1993

<sup>5</sup>Proportional Representation

دهندگان می‌توانند بر حسب تمایل خود به کاندیداهای خاصی در داخل لیست، رأی دهند و در کشورهایی با لیست‌های حزبی بسته، مانند اسرائیل، پرتغال، اسپانیا و آلمان، رأی دهندگان تنها حق انتخاب حزب را دارند و اولویت بندی و تقدم و تأخر کاندیداها توسط حزب سیاسی تعیین می‌شود. ترتیب کاندیداها بر روی لیست حزبی، تعیین کننده کاندیداهای منتخب است؛ برای مثال ده نفر اول از پانزده نفری که اسامی آن‌ها در لیست حزبی قید شده است، ممکن است به مجلس راه یابند. لیست‌های حزبی ممکن است ملی/سراسری<sup>1</sup> باشند، مانند اسرائیل، که در آن، کل کشور یک حوزه انتخابیه است، که دارای یکصد و بیست کرسی است. اما بیشتر لیست‌های حزبی منطقه‌ای<sup>2</sup> هستند، مانند بلژیک، کشوری که به هفت منطقه تقسیم شده است که هر یک از این مناطق نیز به نوبه خود دو تا سی و چهار کرسی را به خود اختصاص داده اند.

فرمول انتخاباتی ما بین نظام‌های مختلف نیز اشکال متفاوتی دارد. می‌توان آراء را براساس روش میانگین بیشتر به کرسی‌ها اختصاص داد. این روش مستلزم این است که آراء هر حزب متوالیاً به یک سری مقسوم علیه<sup>3</sup>‌هایی تقسیم شوند و به این ترتیب کرسی‌ها به احزابی اختصاص می‌یابند که نتیجتاً، بالاترین خارج قسمت را کسب کنند، این روند پی در پی ادامه می‌یابد، تا این که کل کرسی‌های خالی پر شوند. گسترده ترین شکل این روش که مورد استفاده قرار می‌گیرد، فرمول دهونت است که در این روش آرای فهرست‌های مختلف به ترتیب، به اعداد [مقسوم علیه‌های 1 و 2 و 3 و ...] تقسیم می‌شود. در روش "ساده"<sup>4</sup>ی سنت لاگ<sup>4</sup> آراء به جای این که به اعداد یک به بعد تقسیم شود، بر 7 و 5 و 3 و 1 تقسیم می‌-

---

<sup>1</sup>National

<sup>2</sup>Regional

<sup>3</sup>Divisor

<sup>4</sup>The "Pure" Saint-Lague



شود، در روش "اصلاح شده"ی سنت لاگ<sup>1</sup> به جای این که تقسیم آراء بر اعداد مذکور از یک شروع شود، از 1/4 شروع می شود، یعنی عدد 1/4 جایگزین مقسوم علیه اولیه می شود. اما با این حال، ماهیتاً، با نوع ساده آن یکی است.

شق دیگر، روش بیشترین باقیمانده است. در این روش، یک حد نصاب حداقلی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که این حد نصاب به طرق مختلفی محاسبه می شود. ساده ترین روش یعنی روشی که در دانمارک و کاستاریکا معمول است، حد نصاب هیر<sup>2</sup> است. در این روش تعداد کل آراء معتبر در هر حوزه انتخابیه، به تعداد کل کرسی هایی که بایستی به آن حوزه اختصاص یابند، تقسیم می شود. مقسوم علیه حد نصاب دروپ<sup>3</sup> که در آفریقای جنوبی و یونان مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعداد کرسی ها به علاوه یک می باشد [ یعنی در محاسبه ی این حد نصاب، کل آراء بر تعداد کرسی ها به علاوه ی یک، تقسیم می شود. ] که این عدد اضافه شده از میزان تناسبی بودن نتیجه ی انتخابات می‌کاهد.

## نظام های ترکیبی

### نظام اعضاء افزوده

بالاخره باید افزود که بسیاری از نظام های نوپاتر، مانند نظام هایی که اخیراً در ایتالیا، نیوزیلند و روسیه مورد پذیرش بوده اند، از نظام های ترکیبی، هر چند با اشکال مختلف قابل جایگزین، استفاده می‌کنند. نظام اعضاء افزوده که در آلمان مورد استفاده است، حوزه های تک نماینده ای را با حوزه هایی با لیست های حزبی ترکیب می‌کند. انتخاب کنندگان دو رأی دارند. نصف اعضای بوندستاگ (328) در حوزه های تک نماینده ای، بر اساس اکثریت نسبی آراء

---

<sup>1</sup>The "Modified" Saint-Lague

<sup>2</sup>Hare Quota

<sup>3</sup>Droop Quota

انتخاب می‌شوند. بقیه اعضاء پارلمان از روی لیست های حزبی بسته در هر ایالت<sup>1</sup>، انتخاب می‌شوند. هیچ کرسی برای احزابی که حائز آرای کمتر از عدد آستانه حداقلی آراء لیستی (پنج درصد) شوند تعلق نمی‌گیرد. اختصاص کل کرسی هایی که در آلمان بایستی از آن یک حزب باشد، بر اساس روش Niemeyer است. روشی که تأمین‌کننده تناسب بین کرسی های تعلق گرفته به افراد، با آرائی است که برای لیست های حزبی ریخته شده است. این روش، برای مثال ده درصد از کرسی های پارلمانی را به احزابی اختصاص می دهد، که توانسته اند ده درصد از کرسی های اختصاص یافته به لیست ها را از آن خود کنند، ولی نتوانسته اند هیچ یک از کرسی های اختصاص یافته به حوزه ی تک نماینده ای را به خود اختصاص دهند و بر عکس ، در صورتی که حزبی در حوزه های تک نماینده ای، کرسی های بیشتری را نسبت به کرسی های اختصاص یافته به لیست های حزبی، به خود اختصاص دهد، برای آن حزب کرسی های "جبرانی"<sup>2</sup> در نظر گرفته می شود.

### معیارهای تجویزی ارزیابی

پیامد های عملی تغییرات روز افزونی که در "وضع موجود" بوقوع می پیوندد ، نقش محوری در رابطه با مباحث راجع به اصلاحات انتخاباتی بازی می کند. اما تحقیق درباره ریشه این بحث ها نشانگر این است که این مباحث در دیدگاههای متنازع فیه راجع به اصول بنیادین دموکراسی نمایند خلاق<sup>3</sup> ریشه دارند. نقطه ی ثقل این منازعه، راجع به معیارهای محوری است که یک نظام انتخاباتی بایستی واجد آنها باشد و این که آیا حکومتی قدرتمند و پاسخگو مهم تر است یا حکومتی که بتواند تمامی طیف های نظرات و خواست های مردم را در بر گیرد.

---

<sup>1</sup>Land

<sup>2</sup>Surplus Seats

<sup>3</sup>Representative Democracy

## کارآمدی حکومت

مهم ترین معیار برای طرفداران نظام اکثریتی، کارآمدی حکومت است. برای طرفداران این نظام، نظام نخست نفری به وجود آورنده مدل کلاسیک "وستمینستری"<sup>1</sup> با مزایایی دوگانه، یعنی ایجاد دولت حزبی توانمند و در عین حال پاسخگو است. در این معنا دولت توانمند به دولت تک حزبی اطلاق می‌گردد، نه دولتی ائتلافی. حزب واحد و منسجمی که اکثریت کرسی‌های پارلمان را نیز در اختیار دارد، توان اجرای سیاست‌های اعلام شده خود را بدون نیاز به درگیری در مذاکرات با شرکایی که بعد از انتخابات با آنها ائتلاف تشکیل داده است، دارد. نتیجه این انتخابات در این نظام، مشخص‌کننده همه چیز است. در طول دوران تصدی عناوین و پست‌های حکومتی، دولت می‌تواند در تمامی زمینه‌های مورد نیاز به تشخیص خود، مبادرت به قانونگذاری نماید. این توانایی به محض فروپاشی انسجام درونی احزاب و ایجاد تشتت آراء در درون احزاب، از بین می‌رود. ایجاد حکومت‌های توانمند به خصیصه‌ای بسیار جانبدارانه و مغرضانه در این نظام انتخاباتی وابسته است و آن این‌که، این نظام انتخاباتی برای برنده‌ی انتخابات، کرسی‌هایی فراتر از استحقاقشان، به عنوان جایزه، در نظر می‌گیرد. با احتساب و اختصاص کرسی‌های مذکور به حزبی که با اکثریت نسبی حائز مقام اول رقابت‌های انتخاباتی شده است، این حزب تبدیل به حزبی می‌شود که کرسی‌های بیشتری نسبت به درصد آرایش [اکثریت مطلق کرسی‌ها] به وی تعلق می‌گیرد، این امر باعث بوجود آمدن اصطلاحی به نام "اکثریت تصنعی" شده است. برای نمونه، دولت‌هایی که بعد از جنگ در بریتانیا بر سر کار آمده‌اند، با این‌که به طور میانگین با 45 درصد از آراء مبادرت به تشکیل دولت کرده‌اند، ولی 54 درصد از کرسی‌ها

---

<sup>1</sup>Classic "Westminster" Model

را از آن خود کرده‌اند. حتی در انتخابات بسیار نزدیک که احزاب اصلی در یک سطح بوده‌اند، یک حزب معمولاً قادر به تشکیل دولت، مستقل از هرگونه شرکای ائتلافی، بوده است.<sup>1</sup>

## دولت پاسخگو و مسئول<sup>2</sup>

در حال حاضر نیز دولت‌ها "پاسخگو" فرض می‌شوند. دولت‌ها تا پایان دوره‌ی تصدی حکومت، نسبت به انتخاب کنندگان، پاسخگو هستند. انتخاب کنندگانی که در صورت تمایل، می‌توانند آن‌ها را از تصدی عناوین حکومتی خلع کنند. در یک نظام دو حزبی رقابتی، یک نوسان جزئی در کل آرا کافی است که منجر به بر سر کار آمدن اوپوزیسیون گردد. ساز و کار این نظام مانند مکانیزم قرقره و بار<sup>3</sup> است. با وارد آوردن نیروی اندک بر روی طناب انتخاباتی، این قرقره یک جایایی غیر متناسب با نیروی وارده، در وضعیت بار ایجاد می‌کند. منظور طرفداران این نظام از مزایای دوگانه، این است که با اصل مسئولیت، قدرت محدود می‌شود. دولت‌ها آزادی لازم را برای انجام سیاست‌های غیر معمول، در صورت لزوم، در طی دوران زمامداریشان دارند و در پایان تصدیشان رأی دهندگان می‌توانند راجع به سیاستگذاری و عملکرد آن‌ها، در طول دوران تصدی، به قضاوت بنشینند. به علاوه، در سطح محلی، رابطه بین شهروندان و حوزه انتخاباتی اعضای پارلمان، رابطه‌ای است که تأمین کننده‌ی خواسته‌های شهروندان در امور ملی می‌باشد. همان‌طور که این رابطه، اعضای منتخب را نسبت به خواسته‌ها و مسائل و مشکلات مربوط به حوزه‌های انتخاباتی، مسئول می‌سازد. بر اساس خرد عرفی<sup>4</sup>، در حوزه‌های تک‌نماینده‌ای انگیزه‌ی بیشتری برای خدمت به حوزه نمایندگی وجود دارد تا حوزه‌های بزرگ چندنماینده-

---

<sup>1</sup>See Norris 1996

<sup>2</sup>Responsive and Accountable Government

<sup>3</sup>Pulley-and-Weights

<sup>4</sup>Conventional Wisdom

ای. داشتن حکومت و نمایندگانی پاسخگو، بستگی به میزان دگرگونی بالقوه در کرسی ها و تعادل ظریف و شکننده ی دو حزبی در انتخابات دارد. اگر نمایندگان عادی ای که دولت را تشکیل داده اند، به طور مثال با کم تر از میزان ده درصد بر رقبای انتخاباتی خود فائق آمده باشند، در این صورت، یک نوسان نسبتاً جزئی از آراء، به راحتی می‌تواند اوپوزیسیون را به قدرت برساند. اگرچه دولت ها، اکثریت پارلمانی را برای اتخاذ تصمیماتی مؤثر و قاطع در اختیار دارند، در عین حال بر این امر نیز واقف اند که ممکن است در انتخابات آینده، قدرت را به سادگی از دست بدهند. در مقابل، طرفداران این نظام می‌گویند که با وجودی که عموم مردم در نظام هایی با دولت های ائتلافی، ممکن است رضایت چندانی نسبت به احزاب خاصی نداشته باشند، ولی قدرت بسیار اندکی، برای تعیین سرنوشت این احزاب در دست مردم است. پس در این نظام، این روند ائتلاف سازی بعد از انتخابات است که نحوه تخصیص کرسی ها را در کابینه مشخص می‌کند و نه خود انتخابات.

### رعایت انصاف نسبت به احزاب کوچک

طرفداران نظام انتخاباتی اکثریتی معیار مسئول بودن حکومت حزبی را به معیار فراگیر بودن نظام انتخاباتی نسبت به تمام احزاب، متناسب با سهم آرایشان، ترجیح می‌دهند. در این دیدگاه، هدف نخستین انتخابات عمومی پارلمان، این است که نقش یک هیأت‌گزینش غیر مستقیم<sup>1</sup> را برای ایجاد حکومتی با ثبات و کارآمد ایفا کند. روشی که در آن این گونه نظام انتخاباتی، با محروم ساختن احزاب کوچک از کرسی های مورد استحقاقشان، در حق آن ها اجحاف می‌کند، از دیدگاه طرفداران یان نظام، به عنوان یک مزیت تلقی می‌شود. این امر از کسب مشروعیت پارلمانی<sup>2</sup> توسط گروه‌های حاشیه‌ای راست و چپ افراطی جلوگیری کرده و بدین سان، از بوجود آمدن

---

<sup>1</sup>Indirect Electoral College

<sup>2</sup>Representative Legitimacy

پارلمانی متشکلت که مملو از افرادی با علایق و انگیزه‌هایی زودگذر و ناپایدارند، جلوگیری می‌کند. با این حال، اگر رأی دهندگان آراء خود را با اختلافی جزئی، به سه یا چهار حزب رقیب در عرصه ملی بدهند، نمی‌توان غیر تناسبی بودن این نظام انتخاباتی را توجیه نمود. احزاب کوچکی که پی در پی مقام دوم و یا سوم را در انتخابات کسب می‌کنند، به سختی مورد ظلم واقع می‌شوند. مدافعان نظام تناسبی در برابر حکومت‌های اکثریتی اذعان می‌دارند که ملاحظات دیگر، اهمیت بیشتری دارند. از جمله این ملاحظات، می‌توان به نتایج منصفانه نسبت به احزاب کوچک‌تر، نیاز به سیستم مهار و توازن مادیسونی<sup>1</sup> نسبت به دولت حزبی و درجه نماینده بودن حکومت از جانب نظام اجتماعی اقلیت، اشاره کرد.

دیدگاه اخلاقی طرفدار اصلاح و نقد نظام‌های اکثریت نسبی، به طور سنتی، بر اساس غیر منصفانه بودن نتایج نسبت به احزاب کوچک، شکل گرفته است. احزابی که سهم قابل توجهی از آراء را کسب می‌کنند، اما به دلیل این که طرفدارانشان از لحاظ جغرافیایی بسیار پراکنده‌اند، کرسی‌های کمتری به آنها تعلق می‌گیرد. مانند "احزاب محافظه کار ترقی خواه کانادا" در سال 1993 یا "حزب اتحاد"<sup>2</sup> در نیوزیلند به سال 1993 و یا لیبرال دموکرات‌های بریتانیا در 1983. علاوه بر این، طرفداران نظام‌های تناسبی می‌گویند که به دلیل کمتر بودن آراء هدر رفته در نظام تناسبی، انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات بیشتر است.

### نماینده‌گی اجتماعی

نیاز به اصلاح در دهه‌های اخیر، با نگرانی روز افزون راجع به ترکیب اجتماعی پارلمان، توأم بوده است. نظام‌های سیاسی، به نحوی سیستماتیک، دیدگاه‌ها و خواسته‌های بعضی گروه‌های اجتماعی را بر حسب طبقه، قومیت و جنسیت، آن

---

<sup>1</sup>Madisonian Checks

<sup>2</sup>Alliance Party

چنان که باید و شاید، منعکس نمی‌کنند. در سال 1995، زنان تنها 9/4 درصد از اعضای مجالس قانونگذاری ملی را در سرتاسر جهان تشکیل می‌دادند و این درصد در سال‌های اخیر سیر نزولی داشته است.<sup>1</sup> اما در کشورهای دموکراتیک نوسانات قابل ملاحظه‌ای در این درصدها وجود دارد، میزان نمایندگی زنان در کشورهایی با نظام‌های اکثریتی، بسیار کمتر از میزان نمایندگی آنان، در کشورهای دیگری است که از سایر نظام‌ها استفاده می‌کنند.<sup>2</sup> احزابی که دغدغه این عارضه را دارند، استراتژی‌های مختلفی برای از بین بردن آن در نظر گرفته‌اند، مانند: حد نصاب‌های جنسیتی قانوناً الزام‌آور<sup>3</sup> که در آرژانتین برای انتخابات مجلس سنا استفاده می‌شود، استفاده از حوزه‌های نمایندگی دو عضوی که بر اساس جنسیت طراحی شده‌اند و استراتژی‌ها که بیش از همه متداول است استفاده از تبعیض مثبت<sup>4</sup> در سازمان‌های حزبی است، همچنین باید افزود که برخی از این مکانیزم‌ها در حوزه‌های تک‌نماینده‌ای مورد قبول واقع می‌شوند. برای نمونه، در اواسط دهه‌ی نود، "حزب کارگر انگلستان"<sup>5</sup> فهرست‌های کوتاهی برای ثبت نام برای کاندیداتوری در انتخابات ارائه داد، که اعضای معرفی شده در نیمی از حوزه‌های حاشیه‌ای و نه چندان مهم، همگی زن بودند. به هر حال، تبعیض مثبت ساده‌ترین روش برای ایجاد تعادل در ترکیب اجتماعی لیست‌های حزبی است. ( برای مثال اختصاص جایگاه‌های یک در میان بر روی لیست برای کاندیداهای زن و مرد و یا متعادل کردن لیست بر حسب منطقه، شغل یا دین ).<sup>6</sup> این مکانیزم‌ها، این قابلیت را دارند که در خدمت سایر اقلیت‌های سیاسی بر حسب تقسیمات منطقه‌ای، زبانی، قومی و دینی نیز قرار گیرند؛ اگر چه اثرات این مکانیزم‌ها به تراکم جغرافیایی این

---

<sup>1</sup>Inter-Parliamentary Union 1995

<sup>2</sup>Norris 1996

<sup>3</sup>Legally Binding Gender Quotas

<sup>4</sup>Affirmative action

<sup>5</sup>British Labour Party

<sup>6</sup>Lovenduski and Norris 1993

گونه گروه ها بستگی دارد. بنابراین، مناقشات راجع به اصلاحات انتخاباتی اغلب تنش هایی را در رابطه با استفاده از ابزارهای لازم پدید می آورند. (یعنی این که این ابزارها چه آثاری بر روی اقبال و سرنوشت احزاب در نظام های مختلف می تواند داشته باشد؟) اما حتی این مناقشات به شکلی اساسی تر این تضادها را راجع به اهداف نیز به وجود آورده است (یعنی تضاد هایی در پاسخ به این سوال که هدف نخستین و پایه ای از یک نظام انتخاباتی چیست، به وجود آورده است.) برای بررسی این مسائل نیاز به بررسی عواقب و پیامدهای گزینش نظام های مختلف انتخاباتی داریم.

### پیامدهای نظام های انتخاباتی

تحقیقات بسیاری در زمینه ی بررسی اثر گزینش نظام های مختلف انتخاباتی صورت گرفته است. مهمترین پیامدهایی که در این جا مورد بررسی قرار خواهند گرفت، دربرگیرنده ی این موارد خواهد بود: انتخاب احزاب برای پارلمان، میزان تناسبی بودن اختصاص آراء به کرسی ها، ایجاد دولت های ائتلافی یا تک حزبی، نمایندگی گروه های مختلف اجتماعی، سطوح مشارکت در انتخابات و اصول راجع به خدمت نماینده به حوزه انتخابیه اش<sup>1</sup>. برای تجزیه و تحلیل این عناصر، نتیجه انتخابات برای تصدی نمایندگی مجلس را در تازه ترین انتخابات انجام شده (اواسط دهه نود) در پنجاه و سه کشور دموکراتیک با داده هایی گرفته شده از "لو دوک"، "نیمی" و "نوریس" (1996) مقایسه خواهیم کرد. این کشورها شامل هفده کشور با نظام اکثریتی، دوازده کشور با نظام ترکیبی و یا نیمه تناسبی و بیست و چهار کشور با نظام تناسبی خواهد بود.

### اثر گزینش نظام انتخاباتی بر نظام حزبی

<sup>1</sup>The Provision of Constituency Service



یکی از معروفترین ادعاهای "دوورژه" این است که علی القاعده، نظام اکثریتی نسبی، فراهم‌کننده زمینه‌های ایجاد نظام دوحزبی است. در حالی که نظام‌های تناسبی، منجر به چند حزبی شدن جامعه می‌گردند<sup>1</sup>. این واقعیت، این سوال را مطرح می‌کند که چه چیزی بایستی حزب "به شمار آید" و بالاخص، آیا بایستی احزاب خیلی کوچک نیز حزب قلمداد شوند، یا نه؟ در سال‌های اخیر "لیجفارت" (1994) دلائل این نظریه را بازبینی نموده است. این کنکاش مقایسه بیست و هفت کشور دموکراتیک پیشرفته و صنعتی را در برهه زمانی 1945 تا 1990، در بر می‌گرفت و براساس معیار "لاکسو" و "تاجپرا"<sup>2</sup> یعنی معیار "تعداد واقعی و موثر احزاب پارلمانی"<sup>3</sup> پایه ریزی شده بود؛ که این معیار نه تنها تعداد احزاب، بلکه اندازه نسبی هر کدام از آنها را نیز مد نظر قرار می‌دهد. "لیجفارت" در این بررسی متوجه شد که "تعداد واقعی و موثر احزاب پارلمانی" در نظام‌های کثرتی، 2/0، در نظام‌های اکثریتی، 2/8 و در نظام‌های تناسبی، 3/6 بود. او همچنین دریافت که در نظام‌های تناسبی عدد آستانه حداقلی آراء، در فراگیری و یا عدم فراگیری احزاب کوچک نیز تأثیر دارد.

از همین معیار می‌توان برای تعمیم این تجزیه و تحلیل برای طیف گسترده‌ای از دموکراسی‌ها، در برگیرنده جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته، در تازه‌ترین انتخابات انجام شده در اواسط دهه‌ی نود استفاده کرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تعداد احزاب واقعی و موثر پارلمان در نظام‌های اکثریتی، 3/1، در نظام‌های ترکیبی یا نیمه تناسبی، 3/9 و در نظام‌های تناسبی، 4/0 است. این بررسی، مصداقی واقعی از قانون دوورژه بود که اذعان می‌داشت که نظام تناسبی توأم با چند حزبی بودن جامعه‌ی سیاسی است. اگر چه همچنان که

---

<sup>1</sup>Duverger 1995

<sup>2</sup>Laakso and Taagepera

<sup>3</sup>Effective Number of Parliamentary Parties

قبلاً نیز اشاره شد، احزاب کوچک نیز در صورتی که حامیانشان از لحاظ جغرافیایی متمرکز باشند، می‌توانند تبدیل به بازیگرانی موثر، در نظام نخست نفری باشند.

### تناسی بودن اختصاص آراء به کرسی ها

تناسی بودن نتایج انتخابات، نشان دهنده ی میزان تناسب تعداد کرسی های اختصاص یافته به احزاب، با تعداد آرای است که این احزاب در رقابت های انتخاباتی به دست می آورد. مطالعات پیشین نشان دهنده این واقعیت بوده اند که تناسی بودن نتایج انتخابات در نظام های تناسی، بیش از نظام های اکثریتی است.<sup>1</sup> روش های متعددی برای اندازه گیری تناسی بودن نظام انتخاباتی وجود دارد، که این روش ها منعکس کننده برداشت های متفاوت از مفهوم اولیه اند. یکی از ظریف ترین و ساده ترین راه حل ها، اندازه گیری انحراف حداکثری<sup>2</sup> در نتیجه انتخابات است. این انحراف حداکثری معمولاً نشان دهنده ی کسب کرسی های فراتر از استحقاق توسط حزب برنده است.<sup>3</sup> همچنان که قبلاً نیز اشاره شد نظام های اکثریتی، جایزه ای را برای حزبی که در جایگاه اول رقابت انتخاباتی قرار گرفته است، تحت عنوان " جایزه برنده " <sup>4</sup>، در نظر می گیرند. حال آنکه بدین وسیله دیگر احزاب را از کرسی هایی که استحقاقشان را داشتند، محروم می کند. بنابر این، خود این امر دلالت بر غیر تناسی بودن این نظام ها دارد. نتایج این بررسی نشان می دهد که میانگین آنچه که از آن به "جایزه برنده" یاد می شود، در نظام های اکثریتی،  $12/5$  درصد، در مقایسه با  $7/4$  درصد در نظام های ترکیبی و  $5/7$  در نظام های تناسی است. بنابر این، در نظام های انتخاباتی اکثریتی، حزبی که  $37/5$  درصد یا درصد بیشتری

<sup>1</sup>Mackie and Rose 1991; Ligphart 1994; Gallapher, Laver and Mair 1995

<sup>2</sup>Largest Deviation

<sup>3</sup>Lijphart 1994

<sup>4</sup>Winner's Bonus

از آراء را از آن خود کند، معمولاً می‌تواند مطمئن باشد که اکثریت کرسی‌های پارلمانی را به دست خواهد آورد. در حالی که در نظام‌های تناسبی، معمولاً برای رسیدن به نتیجه مشابهی، 46/3 درصد یا مقدار بیشتری از آراء مورد نیاز است.

### ایجاد دولت‌های تک‌حزبی یا ائتلافی

استدلال سنتی طرفداران نظام اکثریتی، در جهت حمایت از این نظام، این است که این نظام‌ها متمایل به ایجاد دولت‌هایی تک‌حزبی، پاسخگو و با ثبات اند. بنابراین در این گونه نظام‌ها نتیجه انتخابات مشخص‌کننده همه چیز است. [و جایی برای مذاکرات بعد از انتخابات به منظور ایجاد ائتلاف نمی‌ماند.] برعکس، نظام‌های تناسبی توأمان با کابینه‌هایی ائتلافی هستند، مگر این که یک حزب بتواند اکثریت آراء را از آن خود کند. بررسی که در مورد بیست کشور صورت گرفت، نشان می‌دهد که 60 درصد از انتخابات در نظام‌های اکثریتی منجر به تشکیل حکومت‌های تک‌حزبی شده‌اند. درحالی که تنها 10 درصد از انتخابات در نظام‌های تناسبی چنین نتیجه‌ای را در بر داشته‌اند.<sup>1</sup> اگر برای مقایسه، دموکراسی‌های پارلمانی را نیز در این بررسی جای دهیم، در می‌یابیم که 56/3 درصد از انتخابات در نظام‌های اکثریتی، منجر به ایجاد دولت‌های تک‌حزبی شده‌اند، که این میزان در انتخابات برگزار شده در نظام‌های ترکیبی 36/4 درصد و در انتخابات، در نظام‌های تناسبی 34/8 درصد بوده است. در کشورهایمانند ایتالیا و سوئیس، که دارای نظام تناسبی و به تبع نظام حزبی متشتت هستند، تمامی دولت‌ها گرایش به ائتلاف دارند. با این حال نظام‌های انتخاباتی اکثریتی نیز می‌توانند موجد دولت‌های ائتلافی شوند، همچنان که در بریتانیا، در دوران بین دو جنگ جهانی، شاهد این امر

<sup>1</sup>Blais and Carty 1987

بوده ایم. در عوض نظام های تناسبی هم ممکن است که باعث ایجاد حکومت های تک حزبی گردند. مانند استیلای طویل المدت "سوسیالیست" ها در اتریش<sup>1</sup> و "حزب کارگر" در نروژ<sup>2</sup> و "حزب سوسیال دموکرات" در سوئد<sup>3</sup>. بنابراین الگوی تشکیل دولت، بسیار پیچیده تر از یک رابطه مستقیم و ساده است.<sup>4</sup> اگر چه همچنان که انتظار می رود ارتباطی بارز و حائز اهمیت بین ایجاد دولت های تک حزبی و نظام های انتخاباتی اکثریتی وجود دارد.

### اصول راجع به خدمت به حوزه نماینده ای

ادعای دیگر نظام های اکثریتی که در آن ها حوزه ها به حوزه های تک نماینده ای تقسیم شده اند، این است که در این نظام ها به دلیل اینکه اعضای پارلمان از یک حوزه خاص انتخاب می شوند، باعث عطف توجه بیشتر نماینده به مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه می شود. انتظار می رود که اعضای یک حزب نیز انگیزه هایی برای ارائه خدمات مشابه، در صورتی که رقابت آنها با دیگران در داخل حزب خود در نظام های با حوزه های چند نماینده ای، مثل نظام تک رای قابت انتقال و نظام تک رای غیر قابل انتقال، صورت می گیرد، داشته باشد. برعکس، از نظام هایی که از لیست های حزبی بسته استفاده می کنند، انتظار می رود که احزاب برای اعضای خود انگیزه هایی محدود برای درگیر ساختن خود در چنین فعالیت هایی فراهم سازند و همچنین در این گونه نظام ها می توان انتظار داشت که فرصت های محدودی برای شهروندان به منظور ارتباط با نمایندگانشان فراهم می آید. متأسفانه مطالعات ملی اندکی در سرتاسر جهان، برای تصدیق این اظهارات وجود دارد و مطالعات صورت گرفته ی پیشین، راجع به ارتباط

---

<sup>1</sup>Austrian Socialists

<sup>2</sup>Norwegian Labour Party

<sup>3</sup>Swedish Social Democrats

<sup>4</sup>Laver and Shepsle 1995

مستقیم و ساده بین نوع نظام انتخاباتی و درجه بذل توجه نماینده به مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه، با تردیدهای جدی روبرو شده‌اند.<sup>1</sup>

در سال 1994 مرکز مطالعات پارلمان اروپا<sup>2</sup> توانست ادله‌ی محدودی را که موید مطالب فوق بوده‌اند، فراهم آورد. به این صورت که، آنها طی یک بررسی از اعضای پارلمان اروپا خواسته بودند که اهمیت وظایف گوناگونی را که به عنوان عضو پارلمان اروپا بر عهده می‌گیرند، را از " غیر مهم " (1) تا " خیلی مهم " (7) درجه بندی کنند. این وظایف در برگزیده میزان بذل توجه نمایندگان پارلمان اروپا به مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه نیز بود، که اجمالاً این گونه تعریف شده بود: " کمک به افراد در مسائل خاص ". نتایج، نشان دادند که میزان بذل توجه به مسائل و مشکلات حوزه نمایندگی، مهمترین دغدغه کاندیداهای تنها کشوری که از نظام اکثریتی برای انتخابات پارلمان اروپا استفاده می‌کند، یعنی کاندیدا های بریتانیایی بود. ( که درجه ی اهمیت این امر در نظر آنان به طور میانگین 5/5 از 7 بود.)

با این حال نوسانات قابل توجهی، در این مورد، در میان نظام های تناسی وجود دارد. چرا که این امر توسط کاندیداهایی از آلمان (5/3) ، ایرلند (4/8) و دانمارک (4/4) ، بالا ارزیابی شده بود، در حالی که از نظر کاندیدا-هایی از لوکزامبورگ (3/6) ، فرانسه (3/5) و ایتالیا (2/9) ، از اهمیت کمتری برخوردار بود. نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه تمایلات نمایندگان در زمینه بذل توجه به مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه احساس می‌شود. تحقیقاتی که بایستی در طول یک طیف از کشورها با نظام های مختلف انتخاباتی صورت پذیرد، تا این گونه مقولات را با نظام مندی بیشتری بررسی نماید.

<sup>1</sup>Bogdanor 1985; Gallapher, Laver and Mair 1995

<sup>2</sup>European Representation Study

## تأثیر نظام انتخاباتی بر میزان مشارکت در انتخابات

فرض معمول و مورد انتظار از مطالب پیش گفته، این است که در نظام های تناسبی بایستی انتظار مشارکت نسبتاً بالاتری را داشته باشیم<sup>1</sup>. دلائل این امر آن است که نظام های تناسبی به عنوان نظام هایی منصفانه‌تر، از این جهت که در آنها "آراء هدر رفته"<sup>2</sup> وجود ندارد، میل و رغبت مردم را برای مشارکت، بیشتر می‌کنند. نظام تناسبی تعداد احزاب را نیز افزایش داده و به تبع، گزینه‌های قابل انتخاب رأی دهندگان را نیز افزایش می‌دهد. علاوه بر این، نظام تناسبی رقابت در انتخابات را بیشتر کرده و بنابراین احزاب، انگیزه‌ی بیشتری برای تلاش در جهت بیشینه سازی هواخواهان خود در تمامی حوزه‌های انتخابیه خواهند داشت. ادله به دست آمده از بررسی‌های انجام گرفته، در مورد مقایسه‌ی نقش‌گزینش نظام های مختلف انتخاباتی، در میزان مشارکت مردم در انتخابات، مؤید این رابطه است؛ میانگین مشارکت مردم در نظام های انتخاباتی اکثریتی، 65/4 درصد و در نظام های ترکیبی یا نیمه تناسبی، 71/2 درصد و در نظام های تناسبی 75/7 درصد بوده است. این اختلاف در میزان مشارکت، در میان دموکراسی‌های جاافتاده<sup>3</sup> چندان عمیق نمی‌باشد. حال آن که، علی‌الخصوص، در میان کشورهای در حال توسعه شکافی قابل توجه است.

### نماینده‌ی گروه های اجتماعی

ادعا شده است که یکی از مزایای نظام های تناسبی، این است که مستعد ایجاد پارلمانی هستند که منعکس کننده ترکیب رأی دهندگان است<sup>4</sup>. در این زمینه، علی‌الخصوص، بزرگی حوزه، فاکتور بسیار مهمی است. دلیل اصلی این امر این است که

<sup>1</sup>Powell 1986; Jackman 1986 ; Blais and Carty 1991 ; Black 1991

<sup>2</sup>Wasted Votes

<sup>3</sup>Established Democracies

<sup>4</sup>Norris, 1995

در صورتی که در نظامی، بایستی لیست حزبی ارائه شود، این احزاب انگیزه ی زیادی برای ارائه یک لیست حزبی " متوازن " برای افزودن بر تعداد هواداران خود دارند. حال آن که برعکس، جایی که کاندیداها با رأی حوزه های تک نماینده ای انتخاب می شوند، چنین انگیزه ای وجود ندارد. علاوه بر این، در نظام هایی که احزاب در آن ها با لیست های حزبی در انتخابات رقابت می کنند، تبعیض مثبت در طی روندهای عضو گیری حزبی به مقیاس بیشتر و بهتری می تواند انجام شود.

در این خصوص مقایسه اقلیت های مذهبی یا قومی که تا حدی بستگی به پراکندگی جغرافیایی این گروهها دارد، امری مشکل است، اما می توان در خصوص نمایندگی زنان در نظام های گوناگون، این مقایسه را انجام داد. نتایج به دست آمده از تحقیقاتی که روی مقوله سهم زنان در مجالس ملی در اواسط دهه ی نود صورت گرفته است، مؤید این واقعیت است که زنان در نظام های تناسبی سهم بیشتری در نمایندگی داشته اند. زنان در نظام های اکثریتی  $7/3$  درصد، در نظام های نیمه تناسبی یا ترکیبی  $13/2$  درصد و در نظام های تناسبی  $17/2$  درصد از اعضای پارلمان را تشکیل می داده اند. اگرچه مجدداً بایستی متذکر شد که رابطه ی بین نظام انتخاباتی و میزان نمایندگی زنان، رابطه ای مستقیم و غیر قابل خدشه نیست. در برخی از نظام های اکثریتی مانند کانادا، زنان زیادی به نمایندگی انتخاب شده اند و این در حالی است که در کشور اسرائیل، که به شکل گسترده ای از نظام های تناسبی استفاده می کند، میزان حضور زنان نسبت به کانادا کمتر است. چارچوب فرهنگی جوامع و علی الخصوص روند عضوگیری درون حزبی، شانس های زنان را برای عضویت در دولت منتخب به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.<sup>1</sup> معهداً نظام انتخاباتی می تواند به عنوان یک ساز و کار تسهیلی، در جهت اجرای آسان تر موازین درون حزبی مانند، تبعیض مثبت برای کاندیداهای زن، عمل کند.

---

<sup>1</sup>Lovenduski and Norris, 1993

## نتیجه ؛ گزینش یک نظام انتخاباتی

اغلب، گزینش یک نظام انتخاباتی شبیه به مهندسی مکانیستیک حقوق اساسی<sup>1</sup> است که به منظور جامه ی عمل پوشاندن به اهدافی خاص، طراحی می شود. اما مقوله ی چگونگی کارکرد نظام انتخاباتی، دارای پیامدهایی است که مستقیماً منعکس کننده مفاهیم مورد منازعه ی دموکراسی نماینده خلق است. مهمترین ملاک برای هواداران تشکیل یک حکومت حزبی مسئول و پاسخگو، این است که نتایج انتخابات بایستی مشخص کننده همه چیز باشد، نه روند ایجاد دولت ائتلافی، یعنی روندی که بعد از انتخابات صورت می گیرد. حزب برنده، بایستی این اختیار را داشته باشد که بتواند در طول دوران تصدی دولت، برنامه های خود را بدون اتکا به احزاب اقلیت به اجرا در آورد. حکومت و تک تک اعضای پارلمان در مقابل عموم مردم، نسبت به تک تک اعمال شان پاسخگو هستند. بایستی این اجازه به انتخاب کنندگان داده شود که در فواصلی متناوب و دوره ای درباره سوابق حکومت-کنندگان به قضاوت بنشینند و در صورت داشتن بر آوردی منفی، به احزاب جایگزین رأی دهند. در این گونه نظام ها به منظور داشتن حکمرانی کارا و مطلوب، احزاب کوچک تر در رده های سوم و چهارم مورد ظلم قرار می گیرند. در این دیدگاه، انتخابات تناسبی منجر به ایجاد نتایج غیر قاطع، رژیم های نا پایدار، قدرت غیر متناسب برای احزاب کوچک در نقش های خطر زمامداری و فقدان پاسخگویی شفاف و عدم شفافیت در اتخاذ تصمیمات می شود.

بر عکس طرفداران نظام های تناسبی می گویند که نظام انتخاباتی بایستی روند توافق و ایجاد ائتلاف را در داخل دولت، پیشینه سازد. احزابی که موفق به کسب آرائی بیش از حداقل عدد آستانه شده اند، بایستی تقریباً متناسب با آراء

---

<sup>1</sup>Mechnistic-Constitutional Engineering



هواداران‌شان در قوه مقننه، صاحب کرسی شوند. بنابراین، احزاب داخل دولت، بایستی دست به اتخاذ سیاستها و راه کارهایی بزنند، که همه ی شرکای ائتلافی بر سر آن توافق دارند. از این گذشته، ترکیب پارلمان بایستی نمایانگر تقسیمات و طبقات اصلی در ترکیب اجتماعی رأی دهندگان باشد. به دلیل اینکه همه شهروندان خواسته‌هایی دارند که بیانگر منافعشان در قوه مقننه است. در این دیدگاه، نظام های اکثریتی جایزه‌ای بیش از استحقاق به برنده انتخابات می‌دهند که این امر موجب ایجاد " دیکتاتوری حزب منتخب " می‌شود. دیکتاتوری که در آن دولت می‌تواند بدون نیاز به صلاح و مشورت با دیگر احزاب موجود در پارلمان، برنامه‌هایش را به مورد اجرا گذارد. علاوه بر این، جهت‌گیری های غیر منصفانه و غیر تناسبی بودن نتایج انتخاباتی، جز در مورد رقابت های دو حزبی، به این معنا است که برخی از خواسته‌ها و نظرات انتخاب‌کنندگان، به طور سیستماتیک، از ارکان نماینده محور، حذف می‌شود.

بنابر این چیزی به نام " بهترین " نظام انتخاباتی وجود ندارد. استدلال‌ات عنوان شده گویای تضادهای ارزشی غیر قابل حلی هستند. برای جوامعی مثل مالی، روسیه و یا اسرائیل که در آنها شکاف های مذهبی یا قومی بسیار ریشه دار هستند، نظام تناسبی ممکن است از این نظر که تمامی اقلیت ها را تحت شمول خود قرار می‌دهد، متناسب تر به نظر برسد<sup>1</sup>. اما در عین حال، همین نظام ممکن است به جای از بین بردن این شکاف ها آن ها را عمیق تر سازد<sup>2</sup>. برای کشورهایمانند بریتانیا یا نیوزیلند که در زمره ی کشورهای بسیار متمرکز بوده اند، نظام های اکثریتی می‌توانند حکومت را از نیاز به مشورت بیشتر و سیستم مهار و توازن دموکراتیک<sup>3</sup>، مستغنی سازند. در طراحی حقوق اساسی به نظر می‌رسد، هیچ گزینه ی ساده‌ای غیر از مراجعه و توسل به "مهندسی انتخاباتی" وجود ندارد.

<sup>1</sup>Ligphart;1997

<sup>2</sup>Tsebelis;1990

<sup>3</sup>Democratic checks and balances

## یاد داشته‌ها

- دموکراسی‌های بزرگ کشورهای هستند که دارای جمعیت حداقل سه ملیونی باشند و امتیاز آن‌ها در معیار حقوق سیاسی گاستیل، سه یا بالاتر از سه باشد.
- در تعداد معدودی از کشورها، مثل کاستاریکا و آرژانتین که در انتخابات ریاست جمهوری از نظام اکثریت نسبی استفاده می‌کنند یک عدد آستانه حداقلی برای احراز پست ریاست جمهوری در نظر گرفته شده است، که در صورت عدم احراز این حد نصاب از سوی کاندیداها، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود.

## منابع و مأخذ :

- Black, J. (1991) 'Reforming the context of the voting process in Canada: Lessons from other democracies' in H. Bakvis (ed) Voter Turnout in Canada Totonto: Dundurn Press.
- Blackburn, R. (1995). The Electoral System in Britain. New York: St. Martin's Press.
- Blais, A. and Carty, K. (1990) 'Does Proportional Representation foster Voter Turnout?' European Journal of Political Research 18: 167-81.
- Blais, A. and Massicotte, L. (1996) 'Electoral Systems' in Leduc, Niemi and Norris, Op Cit.
- Bogdanor, V. (1985) Representatives of the People London: Gower.
- Bogdanor, V. and Butler, D. (1983) Democracy and Elections Cambridge: Cambridge University Press.
- Cox, G. (forthcoming) Making Votes Count: Strategic Coordination in the World's Electoral Systems. Cambridge: Cambridge University Press.
- Diskin, A. and Diskin, H. (1995) 'The Politics of Electoral Reform in Israel' International Political Science Review 16(1): 31-46.
- Donovan, M. (1995). 'The Politics of Electoral Reform in Italy' International Political Science Review 16(1): 47-64.
- Duverger, M. (1954) Political Parties New York: Wiley.
- Dunleavy, P. and Margetts, H. (1995) 'Understanding the Dynamics of Electoral Reform' in International Political Science Review 16(1): 9-30.
- Farrell, D. (forthcoming) [TO ADD DETAILS]
- Gallager, M., Laver, M. and Mair, P. (1995) Representative Government in Modern Europe NY: McGraw Hill.
- Hazan, R.Y. (1996) 'Presidential Parliamentarism: Direct Popular Election of the Prime Minister, Israel's New Electoral and Political System' Electoral Studies 15(1): 21-38.
- Huntington, S.P. (1993) The Third Wave: Democratization in the late Twentieth Century Oklahoma: University of Oklahoma Press.
- Inter-Parliamentary Union (1993) Electoral Systems: A Worldwide Comparative Study Geneva: IPU.
- Inter-Parliamentary Union (1995) Women in Parliament 1945-95 Geneva: IPU.
- Jackman, R. (1987) 'Political Institutions and Voter Turnout in Industrial Democracies' American Political Science Review 81: 405-23.

- Krasner, S.D. (1993) 'Approaches to the State: Alternative Conceptions and Historical Dynamics' Comparative Politics. 16(2): 223-46.
- Laver, M. and Schepsle, K. (1995) Making and Breaking Governments New York: Cambridge University Press.
- Leduc, L., Niemi, R. and Norris, P. (1996) Comparing Democracies: Elections and Voting in Global Perspective. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Lijphart, A. (1994) Electoral Systems and Party Systems. Oxford: Oxford University Press.
- Lijphart, A. and Waisman, C.H. (1996) Institutional Design in New Democracies. Boulder, CO: Westview Press.
- Lijphart, A. (1984) Democracies New Haven: Yale University Press.
- Lijphart, A. and Groffman, B. (1984) Choosing a Political System New York: Praeger.
- Lipset, S.M. and Rokkan, S. (1967) Party Systems and Voter Alignments. New York: Free Press.
- Lovenduski, J. and Norris, P. (1993) Gender and Party Politics London: Sage.
- Mackie, T. and Rose, R. (1991) The International Almanac of Electoral History London: Macmillan.
- Norris, P. (1996) 'Legislative Recruitment' in Leduc, Niemi and Norris, Op Cit.
- Norris, P. (1995).(ed)' The Politics of Electoral Reform'. Special issue of the International Political Science Review. 16(1) January.
- Norris, P. (1996) Electoral Change Since 1945 Oxford: Blackwell.
- Polsby, N. (1983) Consequences of Party Reform Oxford: Oxford University Press.
- Powell, G. B. (1982) Contemporary Democracies Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Rae, D. (1971) The Political Consequences of Electoral Laws New Haven: Yale University Press.
- Rule, W. and Zimmerman, J.F. (1992) United States Electoral Systems: Their Impact on Women and Minorities New York: Praeger.
- Rosenstone, S., Behr, R.L. and Lazarus, E.H. (1996) Third Parties in America Princeton: Princeton University Press.
- Sartori, G. (1994) Comparative Constitutional Engineering. London: Macmillan.
- Taagepera, R. and Shugart, M.S. (1989) Seats and Votes New Haven, Yale University Press.
- Tsebelis, (1990)
- Vowles, J. (1995) 'The Politics of Electoral Reform in New Zealand' in International Political Science Review 16(1):95-116.
- White, S., Rose, R. and McAlister, I. (1996). How Russia Votes New Jersey, Chatham House.
- [6300]